

عليه همه‌ی پرچم‌های ملی!



ترجمه‌ای از جریان کمونیست بین‌المللی

صدای اقترا ناسیونالیستی

مقدمه صدای انترناسیونالیستی

پس از آتش‌بس در جنگ امپریالیستی میان ایران و اسرائیل و در جریان مراسم شب عاشورا، رخدادی غیر معمول مشاهده شد: خامنه‌ای برخلاف روال مذهبی، از مداح خواست سرود «ای ایران» را اجرا کند و آشکارا بر طبل ملی‌گرایی کوبید. به بیان دیگر، او آگاهانه وزن ملی‌گرایی را بر سنت مذهبی افزود، زیرا خود به افول گرایش‌های مذهبی واقف است. هم‌زمان، پرچم ایران نیز در مراسم‌ها و فضاها و عمومی برجسته شد تا پیامی روشن منتقل شود: طبقه حاکم در ایران، همچون طبقات حاکم در دیگر کشورها، می‌کوشد با تحریک احساسات میهن‌پرستانه کارگران، آنان را در خدمت منافع سرمایه‌داران، جنگ امپریالیستی و اقتصاد جنگی بسیج کند.

واقعیت تلخ این است که پس از جنگ امپریالیستی، شرایط زندگی کارگران نه تنها بهبود نیافته بلکه وخیم‌تر نیز شده است. گرانی کمرشکن، قطعی برق و آب، و ده‌ها معضل دیگر فشار مضاعفی بر طبقه کارگر و اقشار فرودست جامعه وارد کرده است. بورژوازی اسلامی، همچون بورژوازی دیگر کشورها، این مشکلات را به گردن عوامل خارجی می‌اندازد. در عین حال، با تبلیغات گسترده، نزدیک به یک میلیون شهروند را که بیشترشان از طبقه کارگر هستند، «اتباع غیرمجاز» نامیده و اخراج‌های تحقیرآمیز را اجرا می‌کند. هدف روشن است: هدایت کردن خشم و نارضایتی اجتماعی به سمت مهاجران، و دور ساختن آن از سرمایه‌داری و نظام اقتصادی‌ای که ریشه اصلی استثمار است.

پرچم و ملی‌گرایی در ایران، همانند بریتانیا یا هر کشور سرمایه‌داری دیگر، کارکردی روشن دارند: ابزاری برای فریب کارگران و واداشتن آنان به پذیرش سیاست‌های ریاضتی تحت عنوان «دفاع از وطن». برافراشتن پرچم ملی و دامن‌زدن به احساسات «میهنی»، وسیله‌ای است برای تحمیل اقتصاد جنگی، پذیرش سقوط سطح زندگی، بیکاری گسترده، فقر روزافزون، و توجیه تحقیر و اخراج کارگران با تبار خارجی. پرچم‌های ملی همواره علیه کارگران عمل کرده‌اند و ابزاری بوده‌اند برای بسیج آنان در خدمت اهداف دولت‌های سرمایه‌داری و منافع سرمایه‌داران.

یکی از حیل‌های قدیمی بورژوازی بریتانیا، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» بوده است. امروز نیز با توسل به همین حربه، می‌کوشد در صفوف طبقه کارگر فراق‌کنی کند تا حملات خود علیه این طبقه را آسان‌تر پیش ببرد. از تابستان ۲۰۲۲، کارگران بریتانیا با شعار «دیگر بس است» در برابر یورش‌های بورژوازی ایستاده‌اند. در چنین شرایطی، برافراشته شدن پرچم بریتانیا و صلیب سنت جورج بخشی از حمله ایدئولوژیک طبقه حاکم به طبقه کارگر به شمار می‌آید. بورژوازی با دامن‌زدن به شکاف‌های قومی و ملی، تلاش می‌کند اتحاد طبقه کارگر را بشکند و استثمار خود را تداوم دهد. کارگران و ستم‌دیدگان، قبل از این که هویت ملی، قومی یا مذهبی داشته باشند، عضوی از یک طبقه متحد هستند: طبقه‌ای که دشمن واقعی آن، نه کارگران با هویت قومی دیگر، بلکه سرمایه‌داری و طبقه حاکم است. دفاع از کارگران مهاجر، دفاع از منافع و هویت طبقاتی، طبقه کارگر است.

هیچ پرچم ملی ارزش یک قطره خون کارگران را ندارد. پرچم‌های ملی ابزاری برای تقسیم و تضعیف کارگران و تضمین تداوم سلطه طبقه حاکم‌اند. تاریخ مبارزات کارگری نشان داده است که چون سرمایه‌داری نظامی جهانی است، مبارزه کارگران نیز ناگزیر از مرزهای ملی فراتر می‌رود و جهت‌گیری انترناسیونالیستی پیدا می‌کند.

برای روشن‌تر شدن فضای سیاسی و تقویت مواضع کمونیسم چپ، ترجمه‌ای از مقاله رفقای جریان کمونیست بین‌المللی درباره رویدادهای اخیر بریتانیا و مسئله پرچم این کشور ارائه می‌شود؛ مقاله‌ای که نشان می‌دهد مبارزه طبقاتی و انترناسیونالیسم کارگری تنها راه واقعی مقابله با سرمایه‌داری و ملی‌گرایی فریبکارانه بورژوازی است.

صدای انترناسیونالیستی

۲۳ شهریور ۱۴۰۴

کسانی که در بریتانیا علیه پناهجویان و مهاجران تظاهرات می‌کنند و همه مشکلات، از کاهش خدمات رفاهی گرفته تا به خطر افتادن کودکان، را به گردن «بیگانگان» می‌اندازند، خود را میهن‌پرست واقعی جا می‌زنند. آن‌ها پرچم بریتانیا و صلیب سنت جورج را به دست می‌گیرند و به اهتزاز در می‌آورند. پرچم انگلستان به ویژه بر تیرهای چراغ برق آویزان یا روی دیوارها و میدان‌ها نقاشی می‌شود. پیام روشن است: بعضی حق دارند اینجا زندگی کنند، و «بیگانگان» یا «غیرقانونی‌ها» باید بیرون بروند. این دقیقاً همان سیاستی است که طبقه استثمارگر برای تقسیم و رو در رویی کارگران با یکدیگر به آن نیاز دارد.

در آمریکا نیز، جایی که اخراج‌های گسترده و خشونت‌آمیز مهاجران در جریان است، برخی از قربانیان همان منطق نژادپرستانه را بازتولید می‌کنند و خود پرچم به دست می‌گیرند. گاهی پرچم آمریکا را برای نشان دادن این که مهاجران نیز می‌توانند میهن‌پرست باشند و گاهی پرچم مکزیک یا دیگر کشورهای آمریکای لاتین را، چرا که بسیاری از کارگرانی که آماج یورش‌های اداره مهاجرت (ICE) قرار دارند، از آن کشورها می‌آیند.

این تصور که کارگران و ستم‌دیدگان باید وفاداری خود را به پرچم‌های ملی نشان دهند، چیز تازه‌ای نیست. در سال ۱۹۱۲ در آمریکا، کارگران نساجی لورنس که بسیاری از آن‌ها مهاجران تازه وارد بودند، برای پاسخ به اتهام «غیرآمریکایی» و «اخلال‌گر بیگانه» بودن، پرچم آمریکا را به دست گرفتند. اما اتحادیه‌ی «کارگران صنعتی جهان» که از اعتصاب

حمایت می کرد، در مقاله‌ای با عنوان «پرچم آزادی» (کارگر صنعتی، ۲۱ مارس ۱۹۱۲) از این رویکرد انتقاد کرد^۱:

"پرچم آزادی؟ یاوه!

هزاران کارگر اعتصابی در لورنس و صدها نفر در سندیگو دریافته‌اند که تنها میهن پرستی‌ای که سرمایه‌داری به رسمیت می‌شناسد، میهن پرستی سود و دلار است. و صدها هزار نفری که این ماجرا را می‌خوانند یا می‌شنوند، معنای واقعی احترام بت‌وار به تکه پارچه‌ی اربابان را خواهند دید.

پرچم چیزی نیست جز چشم‌بندی بر چشمان کارگر."

ما می‌توانیم تنها یک چیز را تأیید کنیم: همه‌ی پرچم‌های ملی، ژنده‌های اربابانند! چشم‌بندی بر چشمان ما که حقیقت را پنهان می‌کند: طبقه‌ی کارگر هیچ وطنی ندارد؛ «ملت» همواره متعلق به کسانی است که ثروت، قدرت سیاسی و سلاح‌های مرگبار را در دست دارند، یعنی طبقه‌ی حاکم. دو سال پس از انتشار آن مقاله، «کارگران صنعتی جهان» افزود که پرچم آمریکا، مانند پرچم بریتانیا و سه رنگ‌های فرانسه و آلمان، ابزاری است برای کشاندن کارگران به کشتار جنگ‌های امپریالیستی.

^۱ این مقاله توسط رفیقی با نام کاربری «آدری» در انجمن بحث لیبکام به اطلاع ما رسید. همراه با رفیق دیگری با نام کاربری «موسمر»، که خود را کمونیست شوراکرا معرفی می‌کند، آن‌ها به انتقاد از آمارشیت‌های آمریکایی پرداختند که توجیه می‌کنند تکان دادن پرچم‌های مکزیک و فلسطین در تظاهرات درست است، زیرا این پرچم‌ها نماد مبارزه با ظلم هستند؛ در حالی که در واقع، این پرچم‌ها وسیله‌ای برای گرفتار کردن کارگران در سیاست بورژوازی به شمار می‌روند.

به همین دلیل است که انقلابیون با همه‌ی پرچم‌های ملی مخالف‌اند. نه فقط پرچم‌های قدرت‌های بزرگ امپریالیستی، بلکه حتی پرچم‌های «ملت‌های تحت ستم» مانند اوکراین یا فلسطین، زیرا مقاومت آن‌ها در برابر سلطه‌ی یک قدرت، تنها از طریق اتحاد با امپریالیسم‌های دیگر ممکن می‌شود. در مورد اوکراین، با حمایت آمریکا و کشورهای اروپای غربی؛ و در مورد فلسطین و حماس، با حمایت رژیم اسلامی ایران و دیگران.

علیه همه پرچم‌های ملی و مرزبندی‌ها، برای اتحاد بین‌المللی طبقه‌ی کارگر!

آموس

سپتامبر ۲۰۲۵

آدرسهای جریان کمونیست بین‌المللی:

وبسایت:

www.internationalism.org

ایمیل:

international@internationalism.org

آدرسهای صدای انترناسیونالیستی:

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (تویتر سابق):

https://twitter.com/int_voice